مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۱۱۷

رهبری شورایی یا فردی؟

سید یاسر جبرائیلی

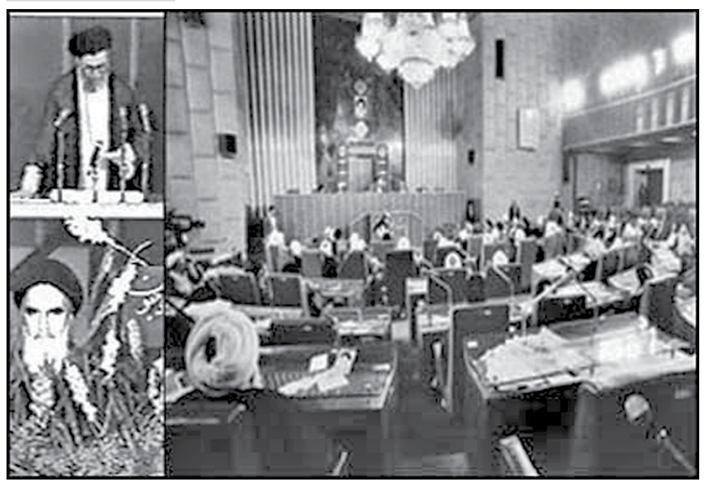

همان‌طوری که پیشتر گذشت، بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی مصوّب ۵۸، رهبری می‌توانست هم به‌صورت فردی باشد و هم به‌صورت شورایی مرکّب از سه یا پنج عضو. ورود خبرگان به بحث پیرامون شورایی یا فردی بودن رهبری، نشان‌دهنده این بود که ملاک و مبنای تصمیم‌گیری درباره رهبری، قانون اساسی جاری کشور است و نه مصوّبات شورای بازنگری.

هشت نفر برای صحبت ثبت‌نام کردند و مشورت خبرگان درباره شورایی یا فردی بودن رهبری آغاز شد. اصلی‌ترین استدلال موافقان شورایی بودن رهبری این بود که فردی که حائز جمیع شرایط رهبری باشد وجود ندارد، امّا اگر ویژگی‌های یک جمع پنج نفری تجمیع شود، این شرایط در مجموعه شورای رهبری وجود خواهد داشت. امّا مخالفان استدلال کردند که اوّلاً تجربه مدیریّت شورایی در قوّه مجریّه (که قدرت میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر تقسیم شده بود) و قوّه قضائیّه (که مدیریّت قوّه به عهده شورای‌عالی قضائی بود)، یک تجربه ناموفّق است و احتمال شکست تجربه رهبری شورایی نیز وجود دارد؛ ثانیاً این شبه‌مغالطه است که اگر هر عضوی از شورا حائز یکی از شرایط رهبری باشد، شورای رهبری حائز کلّ شرایط خواهد بود؛ چگونه قاطعیّت یک عضو قرار است عدم قاطعیّت دیگر اعضا را جبران کند یا علمیّت یکی، جبران فقدان علمیّت در دیگری را نماید؟

آقای محیّ‌الدّین حائری شیرازی به‌عنوان اوّلین ناطق دستور جدید، در مخالفت با شورای رهبری سخن گفت. استدلال ایشان این بود که تجربه خوبی درباره شورایی بودن مدیریّت در قوّه مجریّه و قضائیّه وجود ندارد و اگر رهبری شورایی شود، مردم احساس عدم امنیّت خواهند کرد. پیشنهاد ایشان این بود که اگر بنا است رهبری شورایی هم باشد، فردی به‌عنوان رئیس شورا تعیین شود و مسئول باشد، امّا از فکر دیگر اعضا استفاده کند.[1] یکی از نمایندگان پس از صحبت‌های آقای حائری از همان جایگاه خود با صدای بلند گفت که ما مخالف رهبری فردی هستیم.[2]

آقای سیّدعلی‌محمّد دستغیب که به‌عنوان ناطق بعدی پشت تریبون رفت، مجدّداً بحث مرجعیّت را مطرح کرد. او معتقد بود بر اساس قانون اساسی جاری، انتخاب رهبری ممکن نیست زیرا فردی که حائز همه‌ی شرایط رهبری ازجمله مرجعیّت، چه بالفعل و چه بالقوّه، باشد، وجود ندارد؛ لذا باید با بازنگری در قانون اساسی، زمینه برای انتخاب رهبری فراهم شود. ایشان پیشنهاد داد برای این دوره موقّت تا اتمام فرآیند بازنگری، شورایی مرکّب از آقایان مشکینی، صانعی، هاشمی، خامنه‌ای و موسوی اردبیلی تعیین شوند تا اداره امور را به عهده بگیرند. این شورای موقّت برای دو سه هفته با رأی خبرگان انتخاب شوند و پس از رفراندوم بازنگری، تصمیم نهائی درباره رهبری گرفته شود. آقای دستغیب با دقّت و وسواس خاصّی برای برخی از افرادی که پیشنهاد کرد، از عنوان آیت‌الله استفاده کرد امّا برای برخی دیگر، از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از به‌کار بردن این عنوان اجتناب کرد که به نظر می‌رسد دلیل این امر، این بود که درجه پایینی برای علمیّت ایشان نسبت به دیگران قائل است.[3]

آقای سیّدمحمّدعلی موسوی جزایری در مخالفت با شورای رهبری، به تجربه‌ی شکست‌خورده قوای مجریّه و قضائیّه اشاره کرد و تمرکز مسئولیّت را برای رهبری لازم دانست؛ چرا که معتقد بود کار رهبری ارشادات کلّی در زمینه حرام و حلال و ارزش‌ها و خوبی‌ها و بدی‌ها نیست، بلکه مسئله زعامت کشور در میان است. ضمن اینکه تجربه رهبری شورایی وجود نداشته و مضرّات آن در عمل آشکار نشده است. ایشان معتقد بود اگر رهبری شورایی شود، اشکالاتی صد برابر بدتر از مشکلات حادث‌شده در امور قضائی و اجرائی رخ خواهد نمود.[4] آقای ابراهیم منهاج دشتی در نطق خود، سخن آقایان جزایری و حائری را پذیرفت که در مسائل اجرائی، شورا موفّق نبوده است، امّا گفت رهبری یک مسئولیّت اجرائی نیست و ایده شورای رهبری را باید با تجربه نهادهایی مانند مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و هیئت دولت سنجید. نکته بعدی ایشان این بود که پنج نفری که برای شورای رهبری می‌خواهد پیشنهاد کند، سال‌ها با هم کار کرده‌اند، مسائل مختلف انقلاب و دشمنان داخلی و خارجی را شناخته‌اند، اختلاف سلیقه زیادی با هم ندارند و لذا احتمال بروز اختلاف میان آنها در اداره کشور کم است. استدلال دیگری که آقای دشتی در موافقت با رهبری شورایی ارائه کرد، ناظر به مقبولیّت بود. ایشان معتقد بود فردی وجود ندارد که به تنهائی بین همه اقشار مردم و دستگاه‌ها مقبول باشد، امّا یک جمع پنج نفره این مقبولیّت را خواهد داشت. پنج نفر پیشنهادی ایشان عبارت بودند از آیات خامنه‌ای، هاشمی، مشکینی، موسوی اردبیلی و حاج احمد آقا خمینی. آقای دشتی نکته‌ای را نیز پیرامون مرجعیّت که مجدّداً توسّط آقای دستغیب مطرح شده بود، متذکّر شد. ایشان این سؤالات را مطرح کرد که کدام بُعد از شخصیّت امام خمینی(قدّس‌سرّه) در انقلاب مؤثّر بود؟ آیا مرجع بودن و صاحب رساله بودن امام(قدّس‌سرّه) در موفّقیّت ایشان در رهبری بیشتر مؤثّر بود؟ آیا شخصیّت‌هایی نظیر شهید بهشتی، شهید مطهّری و شهید باهنر مرجع بودند که آن نقش‌ها را در مسائل فکری و فرهنگی کشور ایفا کردند؟[5]

پیش از ورود خبرگان به مباحثه درباره شورایی یا فردی بودن رهبری، دیدیم که اعضا گزینه‌هایی برای عضویّت در شورای رهبری پیشنهاد کرده و نام آقای‌هاشمی رفسنجانی را نیز بردند. پس از ورود خبرگان به مذاکرات درباره رهبری شورایی یا فردی و در خلال صحبت‌های آقای دشتی که از آقای هاشمی رفسنجانی به‌عنوان گزینه پیشنهادی خود برای عضویّت در شورا نام برد، آقای مشکینی خطاب به آقای هاشمی مطلبی گفت که پیرو آن، آقای هاشمی از جایگاه خود بلند شده، نزد آقای مشکینی رفت و صحبتی کرد. آنچه در فیلم اجلاسیّه ثبت شده، این جمله آقای هاشمی است که «آخرش می‌گویم.». به نظر می‌رسد منظور آقای هاشمی این است که پس از اتمام صحبت‌های آقای دشتی درباره آنچه آقای مشکینی خواسته بود، سخن خواهد گفت و چنین نیز شد. با اتمام نطق آقای دشتی، آقای هاشمی رفسنجانی از اعضای خبرگان خواست به دلیل اینکه احتمالاً مسئولیّت اجرائی به عهده خواهد گرفت، نامش را به‌عنوان عضو شورای رهبری نبرَند.[6] در این حین، چند تن از اعضا با صدای بلند خواستار حضور آقای هاشمی در شورای رهبری شدند. آقای سیّدجلال‌الدّین طاهری اصفهانی خطاب به آقای هاشمی گفت: «آقای هاشمی! اگر قرار باشد آقای حاج احمدآقا باشند - که من صبح به شما پیشنهاد این را دادم - شما هم باید باشید.».[7] فردی نیز در ردّ صحبت آقای هاشمی پیرامون پذیرفتن کار اجرائی، خطاب به وی گفت که این شورا موقّت است؛[8] در نهایت آقای هاشمی گفت «من به‌هرحال تذکّر بدهم که آقایان فکر دیگری بکنند.».[9]

ناطق بعدی، آقای سیّدمهدی روحانی بود که به‌عنوان مخالف رهبری شورایی صحبت کرد. ایشان استدلال کرد که اگر منظور از شورا، مشورت ولیّ امر مسلمین با دیگران است، در اسلام این شورا را داریم، امّا اینکه چند نفر رهبری را به عهده بگیرند، سابقه‌ای در روایات اسلامی و تاریخ اسلام ندارد. نظر آقای روحانی این بود که در قانون اساسی جاری شرط مرجعیّت آمده و هرچند در آینده بنا است این شرط حذف شود، امّا انتخاب باید بر اساس قانون اساسی فعلی انجام شود. بر این اساس، ایشان پیشنهاد کرد که آقایان به آیت‌الله گلپایگانی رأی دهند و ضعف‌هایی که ممکن است ایشان داشته باشند، به نحوی برطرف کنند. در این میان، یکی از اعضا گفت که ما به آیت‌الله خوئی رأی می‌دهیم. آقای روحانی پاسخ داد: «آن که دستتان بهش نمی‌رسد. نمی‌آید. اصلاً عقیده دارد یا نه؟ او به این حرف عقیده دارد یا ندارد؟ به ولایت فقیه؟ ایشان تو فتوای ولایت فقیهش «فیه اشکالٌ» می‌گوید. فتوایی به خلاف نمی‌دهد... می‌گوید هست، ولی ایشان یک اشکال می‌کند. آن‌وقت به او بگوییم تو که عقیده نداری بیا همه‌کاره‌اش بشو. خب نمی‌شود یک همچین چیزی.».[10] آقای هاشمی رفسنجانی در پاسخ به بحثی که دو تن از اعضا مجدّداً درباره شرط مرجعیّت مطرح کرده بودند، گفت آنچه انجام می‌دهیم، بر مبنای نظر امام کاملاً قابل توجیه است و در گذشته نیز همواره نظر امام بر قانون اساسی ترجیح داده شده است: «اگر بخواهیم [کارمان] مبنای درستی پیدا کند، بر مبنای این نظر امام کاملاً قابل توجیه است... ما در گذشته هم نظر امام را بر قانون اساسی همیشه ارجح می‌دانستیم، عمل می‌کردیم. ایشان هم صریح، نظرشان را دادند... [درباره] مبنای شرعی‌اش مشکلی نداریم اینجا، [درباره] مبنای قانونی‌اش هم نظر امام الان می‌تواند مبنا باشد برای ما. در [میان] مردم هم این جواب را می‌توانیم بدهیم. کسی هم نمی‌تواند اعتراض بکند، بگوید چرا به نظر امام عمل کردید؟ یعنی بهترین حجّت الان، اگر آقایان خواستند رأی بدهند، باید ما متّکی کنیم به این نامه اخیر حضرت امام که همه چیز را حل می‌کند.».[11]

آقای محمّد عبایی خراسانی در موافقت با شورایی بودن رهبری صحبت کرد. نظر ایشان این بود که چون نمی‌توان فردی شبیه امام(قدّس‌سرّه) پیدا کرد، رهبری شورایی باشد و کسانی در این شورا عضو باشند که سابقه خدمت در جمهوری اسلامی داشته و امتحان خود را پس داده باشند. بر این اساس، ایشان پیشنهاد داد سران سه قوّه (آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی)، آقای مشکینی و همچنین حاج احمد آقا خمینی به‌عنوان شورای رهبری انتخاب شوند.[12]

بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی مصوّب ۵۸، رهبری می‌توانست هم به‌صورت فردی باشد و هم به‌صورت شورایی مرکّب از سه یا پنج عضو. ورود خبرگان به بحث پیرامون شورایی یا فردی بودن رهبری نشان‌دهنده این بود که ملاک و مبنای تصمیم‌گیری درباره رهبری قانون اساسی جاری کشور است و نه مصوّبات شورای بازنگری.

آقای حسن همّتی نیز موافق رهبری شورایی بود؛ با این استدلال که وقتی فرد جامع‌الشّرایط برای تصدّی رهبری وجود نداشت، باید یک مجموعه‌ای انتخاب کرد که بتواند جایگزین فرد شود: «ما اگر یک فرد جامع را پیدا نکنیم، باید یک مجموعه‌ای باشد که دارای این شرایط لازم باشد.». ایشان از مصادیق نامی نبرده و پیشنهادی برای ترکیب شورا مطرح نکردند.[13]

آقای جنّتی به‌عنوان آخرین فردی که در این موضوع صحبت کرد، با رهبری شورایی مخالف بود. نظر ایشان این بود که شورا را می‌توان به‌صورت یک ضرورت قهری پذیرفت، امّا تا زمانی که ضرورت ایجاب نکرده، شورایی بودن رهبری درست نیست. ایشان چند استدلال برای مخالفت با شورا ارائه کرد. نخست اینکه امام(قدّس‌سرّه) نیز نظرشان روی فرد بوده و هم در نامه‌ای که به آقای مشکینی پیرامون رهبری نوشته‌اند و هم در مذاکرات خصوصی با افراد مختلف، به رهبری فردی اشاره کرده‌اند. آقای جنّتی در دوّمین استدلال خود، ضمن رد کردن شباهت کار رهبری به نهادهایی مانند مجمع تشخیص که مورد اشاره آقای دشتی بود، این نظر آقای همّتی را نیز که یک مجموعه می‌تواند ویژگی‌های یک فرد را داشته باشد، ممکن ندانست: «تجارب ما نشان داده که شوراها، شوراهای موفّقی نبوده و شورای رهبری را نباید مقایسه کرد با شورای نگهبان که مثلاً می‌نشینند، بر سر یک مسئله بحث می‌کنند و بعد یک رأی‌گیری می‌شود و اکثریّت و اقلّیّت درست می‌شود؛ یا مجلس... آن خیلی با این‌جا فرق می‌کند. آن تصمیم‌گیری بر سر مسائل کلّی و مسائل کلیدی و سازنده مملکت است. [یا] اینکه ما بگوییم اگر یک کسی در یک جهت کمبود داشت، [دیگری] جبران می‌کند، اگر آن کمبود داشت، این جبران می‌کند. این واقعاً یک شبه‌مغالطه‌ای است. برای اینکه اگر اینها را ما بتوانیم به‌صورت یکی دربیاوریم بله، می‌گوییم ما سه چیز می‌خواهیم؛ مثلاً سه عنصر می‌خواهیم؛ یک عنصرش را این دارد، یک عنصرش را آن دارد، یک عنصرش را این دارد، جمع می‌شود، یکی می‌شود، آن‌وقت سه عنصر را داریم. ولی اگر فرض کنید مثلاً یکی قاطعیّت ندارد، علمیّت دارد؛ یکی علمیّت دارد، قاطعیّت ندارد؛ ما بگوییم خیلی خب، آنجا که قاطعیّت می‌خواهد، این قاطعیّت دارد. قاطعیّت دارد یعنی چی؟ یعنی آن تصمیم قاطع می‌گیرد؛ آن یکی هم حاضر نیست با او همکاری بکند. آن‌وقت جبران شده کمبود قاطعیّت این به علمیّت آن؟ یا آن یکی علمیّت ندارد، راجع به قضیّه‌ای مثلاً نظر می‌دهد، این یکی می‌گوید: اصلاً این کار درست نیست، از نظر فقهی صحیح نیست و غلط است و خلاف شرع است؛ آن یکی قاطعیّت دارد؛ می‌خواهد چه‌کار کند؟ چه‌جور می‌خواهد علمیّت این، قاطعیّت آن را جبران بکند؟ اینها اصلاً نشدنی است.» آقای جنّتی نیز مانند آقای همّتی وارد مصادیق نشد.[14]

آقای دشتی بعدها در روایت خود از جلسه‌ی چهارده خرداد خبرگان گفت که سخنان آقای جنّتی تاثیر آشکاری بر اعضای خبرگان گذاشت و نظرشان را درباره‌ی شورایی بودن رهبری تغییر داد: «[شورا] در ذهن [ها] مقبولیّتی داشت، یعنی فضا پذیرشش را داشت، [امّا] آقای جنّتی که رفت صحبت کرد دیگر همه فضا عوض شد. آقای جنّتی فضا را عوض کرد.».[15] آقای حائری شیرازی نیز در روایت خود از جلسه گفت که «در بین مخالفین شورا، صحبت آیت‌الله جنّتی نقش تعیین‌کننده داشت.».[16]

به هر صورت، پس از صحبت‌های آقای جنّتی، آقای طاهری خرّم‌آبادی پیشنهاد کفایت مذاکرات را پیرامون رهبری شورایی یا فردی ارائه کرد. آقای هاشمی رفسنجانی توضیح داد که اگر شورایی رأی آورد، بحث سه یا پنج نفر بودن مطرح است و وارد مصداق خواهیم شد.[17] آقای امامی کاشانی در این اثنا خواستار بیان مطلبی کوتاه شد و از همان جایگاه خود، به بیان استدلالی در حمایت از رهبری فردی پرداخت: «فقیه می‌تواند هم اصالتاً ولایت کند و هم استنابتاً. من پیشنهادم این است که اگر آقایان به این‌جا رسیدند که به یک نفر رأی بدهند، مدیر و مدبّر بودن را در نظر بگیرند، و آنها که از نظر فقهی معتقدند «این یک نفر، فقیه است.» برای ایشان حل است و آنهائی که معتقد نیستند، قدر متیقّن، ما یک تعدادی فقیه مسلّم این‌جا داریم، آنها نیابتاً به او رأی بدهند.».[18] منظور آقای امامی این بود که اعضای خبرگان، یا به فقیه بودن فردی که رأی می‌دهند، اعتقاد دارند که درنتیجه مشکلی در رأی دادن ندارند؛ یا اینکه اعتقاد به فقاهت آن فرد ندارند که در این صورت، می‌توانند از جانب خود به او برای اعمال ولایت نیابت بدهند.

آقای امینی نیز فرصت کوتاهی گرفته و در مخالفت با رهبری شورایی گفت: «ما در کمیسیون [بازنگری] موضوع شورایی را رد کرده‌ایم... [رهبری شورایی] برخلاف مصوّبه ما است.».[19]

آقای هاشمی در پاسخ به آقای امینی متذکّر شد که خبرگان هر تصمیمی بگیرد موقّت و محدود به دوره بازنگری است و پس از تصویب قانون اساسی جدید، اگر معارض قانون اساسی بود، باید اصلاح شده و با قانون اساسی جدید منطبق شود. نهایتاً پیشنهاد آقای طاهری خرّم‌آبادی برای کفایت مذاکرات به رأی گذاشته شد و خبرگان با قیام خود به این پیشنهاد رأی دادند.[20]

اینک نوبت رأی‌گیری درباره شورایی یا فردی بودن رهبری بود. آقای هاشمی از اعضا استمزاج کرد که برای فردی رأی گرفته شود یا برای شورایی؟ آقای خلخالی در پاسخ گفت برای فردی. آقای هاشمی مجدّداً یادآور شد که «قبلاً معلوم باشد... این شورایی اگر رأی می‌گیریم... هرچه باشد، این محدود است، تا زمانی که رفراندوم می‌شود و قانون اساسی [نهائی می‌شود]. اگر نخواستید هم اعلام کنید، اعلام نکنیم.». یکی از اعضا گفت این موقّت بودن در جامعه مطرح نشود. آقای هاشمی نیز پاسخ داد: «بله! در جامعه مطرح نمی‌شود. ولی بدانیم ما، چه شورایی بشود، چه فردی بشود، محدود به آن زمان است.».[21]

آخرین جمله‌ای که پیش از به رأی گذاشتن رهبری فردی گفته شد، از زبان آقای مشکینی بود: «آقایانی که می‌خواهند رأی به فردی بدهند، این را هم در نظر بگیرند که اگر تصویب شد، آن فرد را پیدا می‌کنند یا نه.». سپس نایب‌رئیس مجلس از اعضا خواست «آقایانی که با فردی بودن رهبر در این مقطع، همین مقطع تا رفراندوم موافق هستند، قیام بفرمایند.».[22]

چهار عضو از پنج عضو هیئت‌رئیسه (آقایان مشکینی، هاشمی، امینی و طاهری خرّم‌آبادی) و نیز آیت‌الله خامنه‌ای قیام نکردند؛ یعنی با رهبری فردی مخالفت کردند. با این وجود، اکثریّت خبرگان با قیام خود به رهبری فردی رأی دادند.[23]

پانوشت‌ها:

۱- همان، صص ۱۲۸-۱۲۷
۲- همان، ص ۱۲۸
۳- همان، صص ۱۲۹-۱۲۸
۴- همان، صص ۱۳۰-۱۲۹
۵- همان، صص ۱۳۵-۱۳۰
۶- فیلم مذاکرات اجلاسیّه چهارده خرداد ۱۳۶۸ مجلس خبرگان رهبری
۷- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اوّل، اجلاسیّه هفتم، ص ۱۳۵
۸- فیلم مذاکرات اجلاسیّه چهارده خرداد ۱۳۶۸ مجلس خبرگان رهبری
۹- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اوّل، اجلاسیّه هفتم، ص ۱۳۵
۱۰- همان، صص ۱۳۸-۱۳۵
۱۱- همان، ص ۱۳۹
۱۲- همان، صص ۱۴۱-۱۳۹
۱۳- همان، صص ۱۴۳-۱۴۱
۱۴- همان، صص ۱۴۵-۱۴۳
۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۶- همان
۱۷- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اوّل، اجلاسیّه هفتم، ص ۱۴۵
۱۸- همان، ص ۱۴۷
۱۹- همان، صص ۱۴۸-۱۴۷
۲۰- همان، ص ۱۴۹-۱۴۸
۲۱- همان، صص ۱۵۰-۱۴۹
۲۲- همان
۲۳- همان، ص ۱۵۰

نیازمندی های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۰۲۱۰ ۳۳۱۱۸۰۵۰ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۱۱۲۱۹۳ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ / شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ / اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ / چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی
و ریلی کالای وارداتی صادراتی
ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

کوناکون
رستوران رادیکال پنج
لواسان ابتدای جاده فشم
* آماده پذیرایی
از جشن‌ها و مهمانی‌ها *
(و تعدادی نیرو جهت کار نیازمند است)
۰۹۳۶۳۰۴۸۸۰۳
۰۹۲۱۸۹۸۴۳۸۳

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته
منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی
یک فقره چک به شماره ۶۹۳۴۳۵ به تاریخ ۱۴۰۱/۸/۲ به مبلغ سیصد میلیارد ریال عهده بانک صادرات ایران مربوط به شماره حساب ۰۱۱۱۷۲۵۵۶۲۰۰۳ متعلق به خانم زهرا معتمدی مطلق مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مجید محمدی فرزند محمدمهدی به شماره شناسنامه ۰۵۲۰۴۸۱۰۴۶ صادره از اراک در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی اراک - به شماره ثبت سازمان مرکزی ۱۳۸۵۲ به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۷ صادر گردیده است فاقد اعتبار می‌باشد. لذا از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به نشانی ذیل ارسال نماید. اراک: میدان امام خمینی ره - بلوار امام خمینی ره - شهرک دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی اراک صندوق پستی ۳۸۱۳۵/۵۶۷ اداره فارغ‌التحصیلان

سند کمپانی (سند کارخانه) و برگ سبز موتورسیکلت سیستم ملی به شماره انتظامی ۵۲۷۷۹ ایران ۴۷۹ با شماره موتور ۰۰۲۳۸ و شماره تنه ۸۵۱۲۹۹۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پراید مدل ۱۳۹۲ شماره انتظامی ۱۴۶ج۹۲ایران۸۹ شماره موتور ۴۷۹۱۱۸۵ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰D۱۲۳۱۴۹۹ بنام حمید علیمددی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بویین‌زهرا

برگ سبز پژو ۴۰۵ مدل۱۳۸۸ شماره انتظامی ۶۱۳ ج ۷۴ ایران ۸۹ شماره موتور ۱۲۴۸۸۲۱۳۲۷۶ شماره شاسی NAAM۱۱CA۳AK۹۷۶۲۷۱ بنام میثم سلطانی مفقود و از درجه اعتبارساقط می‌باشد.
بویین زهرا

سند کمپانی و برگ سبز خودروی پراید صبا مدل ۸۰ با شماره پلاک ۷۸ ایران ۳۹۶ص ۴۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۰۷۰۳۷۱۵ و شماره موتور ۰۰۲۳۱۱۹۶ بنام حسن غفاری با کد ملی ۰۰۸۲۷۶۷۰۷۶ مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۷ هاچ بک مدل۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۹۷۸م ۴۷ ایران ۲۸ به شماره موتور ۱۷۲B۰۹۶۰۲۶۵ و شماره شاسی ۴۹۸۷۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری کار لکسوس NX۲۰۰ به شماره پلاک ۵۶۳۳۱- اروند ۳۳ به رنگ مشکی متالیک مدل ۲۰۱۶ و شماره موتور ۸ARN۱۵۰۰۴۷ و شماره شاسی JTJBARBZXG۲۰۴۸۷۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم سمند تیپ SOREN EFv به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور ۱۴۷H۰۱۶۷۵۴۷ و شماره شاسی NAACS۱HEXFFA۲۷۴۰۴ به شماره شهربانی ۱۷۵ م ۲۱ ایران ۹۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

بنایی و خدمات
فلاشینگ نماز کریا
تهیه و اجرای فلاشینگ نما
و ورق فلزی۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲
و ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ -۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

ایزوکام- قیرگونی
آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

استخدام

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم)
برای سال مالی منتهی به ۳۰آذر ماه ۱۴۰۲
شرکت سرمایه گذاری و خدمات مدیریت تدبیر
(سهامی خاص - شماره ثبت ۸۷۹۰۶) مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳
به‌دلیل به حد نصاب نرسیدن مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۳۰ بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام حقیقی و نمایندگان سهام حقوقی دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم) شرکت سرمایه گذاری و خدمات مدیریت تدبیر (سهامی خاص - شماره ثبت ۸۷۹۰۶) که در ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ در آدرس:تهران - خیابان ولیعصر - خیابان شهید عباسپور (توانیر سابق) - کوچه شاهین - شماره ۵ طبقه سوم تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانید.
دستورجلسه:
۱- بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب سود و زیان عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۹/۳۰.
۲- انتخاب بازرسان قانونی اصلی و علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۹/۳۰.
۳- انتخاب روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی و اطلاعیه‌های شرکت.
۴- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی سالیانه است.
هیئت مدیره شرکت سرمایه گذاری و خدمات مدیریت تدبیر
(سهامی خاص - شماره ثبت ۸۷۹۰۶)

نوبت اول
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب طهورا عرفان فرزند محمدرضا با شماره شناسنامه: ۲۰۸۰۴۳۵۳۴۵ کد ملی: ۲۰۸۰۴۳۵۳۴۵ صادره از: ساری در مقطع: کارشناسی ارشد رشته: روانشناسی شخصیت صادره از واحد دانشگاهی: ساری با شماره سریال: ۴۱۲۸۵-۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به نشانی: ساری کیلومتر ۷ جاده دریا مجتمع دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری ساختمان اداری طبقه دوم اداره دانش آموختگان و یا صندوق پستی ۱۹۴-۴۸۱۶۴ ارسال نمایند.

قابل توجه عموم به استحضار می‌رساند شماره قبض انبارهای ۵۹۳۶ مورخ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ شماره ۶۳۸۸ مورخ ۱۳۸۰/۰۳/۰۸ شماره ۷۳۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۰۱/۲۹ شماره ۷۴۵۰ مورخ ۱۳۸۱/۰۲/۲۵ شماره ۷۷۴۵ مورخ ۱۳۸۱/۰۵/۱۵ شماره ۱۰۶۴۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۲۲ شماره ۷۹۰۰ مورخ ۱۳۸۱/۰۷/۰۸ سهوا توسط شرکت گروه صنعتی خاورمیانه سیرجان(سهامی خاص) مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۵۵۲۰۲ و شماره شاسی NAAP۴۱FDXCJ۶۰۲۹۲۰ به شماره پلاک ۱۲۷ ایران ۹۷ ۱۱ به نام آقای محمدرضا پورتوکل به کد ملی ۰۵۳۳۱۰۰۶۳۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو سواری- هاچبک سیستم پژو تیپ ۲۰۶ به شماره انتظامی ۸۷۷م۶۸- ایران ۲۹ به رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۱۰FSS۱۴۸۸۸۸۱۳ شاسی ۸۳۶۶۱۷۱۸ بنام خانم خدیجه فیضی بشماره ملی ۴۹۶۹۷۶۵۴۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودروی پراید صبا با شماره پلاک ۷۲ایران ۸۷ق۲۵۲بنام سیده فاطمه بهروز طهرانی با کد ملی ۲۱۸۱۱۲۱۳۲۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۴۳۵۰۰ و شماره موتور ۲۶۰۳۷۳۷ مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژوSD به رنگ سفید مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۵۵۲۰۲ و شماره شاسی NAAP۴۱FDXCJ۶۰۲۹۲۰ به شماره پلاک ۱۲۷ ایران ۹۷ ۱۱ به نام آقای محمدرضا پورتوکل به کد ملی ۰۵۳۳۱۰۰۶۳۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری سابرینا، مدل ۱۳۹۵، به شماره انتظامی ۶۲۲ج ۸۱ ایران ۵۲ و شماره موتور ۴A۹۱SHQ۵۲۰۹ و شماره شاسی NAVCE ۵ HDBFA ۳۰۰۶۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب هلما شاهیوند به شماره ملی ۴۰۶۲۸۸۶۹۱۱ مالک خودروی سواری ۲۰۶ مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۱۸۹ص۱۳ ایران ۳۱ شماره موتور ۱۶۵ A ۰۰۱۲۲۴۰۸ شماره شاسی NAAP ۰۳ EE ۸ FJ ۲۰۴۶۹۹ به علت فقدان اسناد سازمان فروش ایران خودرو شامل برگ کمپانی و شناسنامه مالکیت تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده. لذا چنانچه کسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد از این تاریخ ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر منطقه‌ای ایران خودرو واقع در پیکانشهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط اقدام خواهد شد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و کارت خودرو سواری پژو ۲۰۷ هاچ بک مدل ۱۳۹۸ به رنگ خاکستری متالیک به شماره انتظامی ۹۳۳ ق ۱۶ ایران ۱۸ و شماره موتور ۱۶۳B ۰۳۰۸۲۷۹ و شماره شاسی NAAR ۰۳ FE ۳ KJ ۳۸۱۸۳۱ به نام مرتضی اسداله پور به شماره ملی ۳۸۶۰۵۷۰۴۹۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پراید جی تی ایکس آی به شماره انتظامی ۳۷۶ب۶۷ ایران ۶۳ مدل ۸۳ موتور۰۰۹۹۲۵۸۱ شاسی S ۱۴۱۲۲۸۳۳۷۳۲۳۹ به نام مهدی شیردره مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت اول
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب محمدرضا خالقی فرزند علی به شماره شناسنامه ۴۷۰۱ صادره از بوشهر در مقطع کاردانی پیوسته رشته نرم‌افزار کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی سما، با شماره ۱۴۹۴۱۴۶۰۲